

مصاحبه

روسیه همکاری خود را با ایران بدون توجه

به کشور ثالث توسعه خواهد داد^۱

کنستانتین شووالف یک دیپلمات و در وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی متخصص مسایل ایران بود. وی پس از پایان تحصیلات در سال ۱۹۷۴ اولین مأموریت دیپلماتیک خود را در ایران آغاز نمود و بیشترین فعالیت وی درباره ایران بوده، جایی که ۱۳ سال از عمر خود را در پُستهای مختلف در سفارت روسیه در ایران گذرانده و اکنون سفیر تام‌الاختیار روسیه در جمهوری اسلامی ایران است. وی همچنین نویسنده مقالات بیشماری است که در آنها اولویتهای توسعه همکاری روسیه با ایران را مشخص کرده است. شووالف در ملاقات با میرانف عضو هیأت علمی مجله آسیا و آفریقای امروز در تهران به سؤالات وی در زمینه روابط با ایران پاسخ داد.

کنستانتین شووالف، در محافل دیپلماتیک و علمی، شما مشهورترین ایران‌شناس هستید، به عنوان سفیر روسیه فدراتیو در ایران چه احساسی نسبت به این کشور دارید؟
من مدت زیادی است که در ایران زندگی می‌کنم، با شش سفیر قبل از خودم کار کرده و از آنها خیلی چیزها یاد گرفته‌ام. البته این کار پُرمشولیتی است و سفیر باید بر همه مسایل

۱. این مصاحبه در جریان ملاقات لئونید میرانف عضو هیأت تحریریه مجله آسیا و آفریقای امروز با جناب آقای شووالف سفیر فدراسیون روسیه در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته و از ماهنامه آسیا و آفریقای امروز، شماره ۲، (۴۹۹) سال ۱۹۹۹ از روسی به فارسی توسط خانم پروین معظمی‌گودرزی ترجمه گردیده است.

روابط دوجانبه از جمله اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اشراف داشته باشد، او همچنین رابط دیپلماسی چندجانبه است و باید تمام این موارد را بشناسد. به هرحال مقام سفارت، مقام مطلوب و مهمی است ولی بسیار مشکل تر از آن چیزی است که تصور می‌شود.

شما روابط کنونی روسیه و ایران را چگونه می‌بینید؟

ما با ایران قرن‌ها همسایه بوده‌ایم و در کتابی اشاره شده که در قرن پنجم روسها با ایران رابطه داشته‌اند. ولی اگر در مورد روابط رسمی و دیپلماتیک ایران و روسیه صحبت کنیم، ظاهراً به پنج قرن پیش برمی‌گردد، زمانی که مبادله سفیر آغاز شد. روابط میان دو کشور بیشتر توصیف‌کننده موقعیت همکاری متقابل است تا برخوردهای نظامی. اگر طی ۵۰۰ سال گذشته در صدی را به سالهای جنگ و صلح اختصاص دهیم، معلوم می‌گردد که دو کشور همسایه در سالهای جنگ دچار عدم تعادل بوده‌اند. بدیهی است که تعادل در روابط در مقیاس بالایی موجب روحیه خیرخواهانه دو ملت خواهد شد و روسیه و ایران همدیگر را به عنوان مخالف یا دشمن به حساب نمی‌آورند.

اطلاعات و آگاهی‌های زیادی در مورد دو کشور موجود می‌باشد و تأثیر فرهنگی دوجانبه تاکنون ادامه داشته است. خوشبختانه دانشمندان و شرق‌شناسان ما به‌طور فعال مشغول مطالعه در مورد ایران هستند و سهم آنها در محافل ایران‌شناسان قابل توجه است. اهمیت ویژه این امر تنها در مقالات کلاسیک آنها نیست، بلکه به‌خاطر شناخت عملی است که آنها از ملت ایران دارند.

مایلم به دیدارهای نه‌چندان زیاد گذشته دوطرف و به موقعیت کنونی آنها توجه شود. گرچه در خشکی مرز مشترک نداریم ولی از نظر آبی دارای مرز مشترک هستیم و همین زمینه باعث موفقیت و توسعه جنبه‌های مختلف روابط دوجانبه شده است.

در مورد روابط تجاری - اقتصادی دو کشور در حال حاضر چه نظری دارید؟

این روابط در حال توسعه بوده و به‌طور کلی موفقیت‌آمیز می‌باشد. در سال ۱۹۹۷ حجم مبادله کالا میان دو کشور نسبت به سال گذشته دو برابر افزایش یافته و رقم آن تقریباً به ۵۰۰ میلیون دلار رسیده است، لیکن حدود ۸۰ درصد از این حجم متعلق به صادرات روسیه به ایران بوده که به سه برابر رسیده است. به‌طور کلی در بررسی روابط دوجانبه (چه در گذشته

و چه حال) حجم همکاری‌های اقتصادی سنگین‌تر می‌باشد. گرچه قسمت اصلی این همکاری مساعدت با ایران در زمینه ساخت نیروگاه اتمی و حرارتی است، ولی همکاری در زمینه نظامی هم با موفقیت در حال توسعه می‌باشد. یک زمینه مهم در روابط اقتصادی وجود دارد که در حال حاضر رقم بالایی را نشان نمی‌دهد و آن صنعت نفت و گاز است.

آقای شووالف به طوری که از مطالب مطبوعات و گردهمایی‌های تشکیل شده در ایران برمی‌آید، این کشور طرفدار سرسخت رابطه نزدیک با روسیه است. به نظر شما رهبری روسیه چه توجهی به توسعه روابط میان دو کشور مبذول داشته؟

توجه مسکو به این موضوع کاملاً مشخص بوده و آن را امری مهم به شمار می‌آورد. مکاتبات سفارت با ادارات روسیه هم شاهد این ادعاست.

در بین ما چنین متداول شده که در مورد روابط با دیگر کشورها به عنوان شریک راهبردی صحبت می‌شود و از طرف برخی از سیاستمداران و شرق‌شناسان روسیه، مطالبی در خصوص مصلحت برقراری شراکت راهبردی با ایران شنیده می‌شود. به نظر شما آیا این امکان وجود دارد؟

به طور واضح بگویم که من این اصطلاح را اصلاً نمی‌پسندم، به دلیل اینکه آن را نمی‌فهمم و نه تنها من، بلکه اکثر مردم وقتی که در مورد «شریک راهبردی» مطالبی می‌شنوند، تصور دیگری از متحد در ذهن آنها به وجود می‌آید و شراکت راهبردی به معنی قربانی شدن منافع یک طرف قلمداد می‌گردد، یعنی اگر یک کشور در معرض تجاوز قرار گیرد، طرف دیگر - شریک - نمی‌تواند بی تفاوت بماند و باید با قربانی کردن منافع خود وارد جنگ شود. بنابراین چنین شراکتی با ایران برای ما هیچ وقت وجود نداشته و نخواهد داشت، و اصولاً چنین شراکتی را ما با هیچ کشوری بجز کشورهای عضو جامعه مشترک المنافع نداریم.

در مورد مواعینی که آمریکا بر سر راه توسعه روابط روسیه با ایران ایجاد کرده است

بگویید؟

موضوع ایران همیشه در گفتگوهای روسیه با آمریکا وجود دارد. ما با ایران در همه زمینه‌ها، به غیر از مواردی که مربوط به عدم توسعه سلاحهای کشتار جمعی و گسترش آن می‌باشد، همکاری می‌کنیم و در آینده نیز این همکاری را بدون توجه به نظرات کشور ثالث، تا



آنجا که بتوانیم، ادامه خواهیم داد. آمریکاییان به طور مرتب در مورد دلسوزی خود نسبت به ما سخن می‌گویند و معتقدند که ایران دارای یک برنامه ملی تهیه و تکثیر سلاحهای کشتار جمعی است. در نتیجه، آمریکایی‌ها روابط خارجی ایران را دنبال می‌کنند و ناخشنودی خود را نسبت به برخی از تماسهای ایران اظهار می‌دارند. ولی در حال حاضر ما می‌گوییم که هیچ‌کدام از سوءظن‌های آمریکا نسبت به کمک روسیه به ایران در اجرای برنامه‌های مذکور پایه و اساسی ندارد و ما هم هیچ‌گونه اطلاعی در مورد برنامه ساخت سلاحهای کشتار دسته‌جمعی ایران نداریم. ایرانیان نیز خود منکر وجود چنین برنامه‌ای بوده و با پذیرفتن قرارداد عدم توسعه سلاحهای هسته‌ای، آماده بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌باشند. آیا مشورتها و رایزنی‌هایی که ایران با روسیه در خصوص افغانستان و تاجیکستان

انجام می‌دهد، مفیدفایده است؟

به نظر ما و ایرانی‌ها این رایزنی‌ها بسیار مفید است و با وجود همه سختی‌ها، حل و فصل مناقشه تاجیکستان و انعقاد موافقتنامه مصالحه ملی در مسکو، در سایه روابط دو جانبه ایران و روسیه امکان پذیر شد. همچنین، این امر در مورد افغانستان هم صادق است و بیانگر مفید بودن رایزنی‌ها می‌باشد. ما در زمینه حل و فصل مناقشه افغانستان هم به صورت دو جانبه، و هم در ارگانه‌های بین‌المللی و قبل از همه در سازمان ملل متحد، جایی که روسیه و ایران عضو گروه ۶+۲ (برای مساعدت به حل و فصل مشکل افغانستان) می‌باشند، همکاری می‌کنیم. مواضع دو کشور در خصوص حل و فصل مناقشه افغانستان بسیار به هم نزدیک است و روسیه و ایران، معتقدند که مشکل افغانستان به کمک اسلحه نمی‌تواند حل شود، بلکه این امر به کمک شیوه‌های سیاسی امکان پذیر است.

ایران و روسیه به دلیل موقعیت ایجاد شده، بیشتر از سابق بر ضرورت حل مسایل آبی دو کشور به صورت مشترک تأکید می‌کنند و از جمله مسأله مربوط به اساسنامه حقوقی دریای خزر را مطرح می‌نمایند. این مسئله، همان‌طور که بدیهی است با ظهور کشورهای تازه استقلال یافته ساحلی دریای خزر مثل: آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، بوجود آمده است. روسیه در خصوص مسئله اساسنامه حقوقی دریای خزر چه مواضعی اتخاذ

کرده است؟





در اینجا دو مفهوم وجود دارد - یکی اساسنامه حقوقی و دیگری رژیم حقوقی دریاست. مفهوم اول مربوط به تعیین سیستمی است که در دریای خزر ایجاد شده، ولی مفهوم دوم تعیین‌کننده مقررات حقوقی است که برای استفاده عملی از آن تنظیم شده‌اند. اساسنامه حقوقی دریای خزر همان‌طور که در تاریخ ثبت شده، تقریباً دارای قدمت ۲۰۰ ساله‌ای است و اجزای آن با انعقاد قرارداد ترکمنستان در سال ۱۸۲۸ و پایان یافتن برخورد نظامی روسیه و ایران شکل گرفت، سپس بازتاب خود را در قرارداد میان روسیه و ایران در سال ۱۹۲۱ نشان داد و در قرارداد بازرگانی و دریانوردی میان اتحاد جماهیر شوروی و ایران در سال ۱۹۴۰ توسعه پیدا کرد.

با توجه به تحولات سالهای گذشته و تغییرات به وجود آمده و لزوم توجه به اساسنامه دریای خزر باید گفت که در اسناد شوروی و ایران (قراردادهای مذکور) ذخایر دریا به رسمیت شناخته شده و طبق این اساسنامه‌ها به صورت مشترک متعلق به ایران و شوروی است. بنابراین اساسنامه مذکور به چه صورت می‌تواند استفاده کشورهای ساحلی را از ثروتهای آبی و منابع طبیعی آن تأمین کند؟ در زمان شوروی خط مرزی تثبیت نشده‌ای در اسناد یعنی خط آستارا - حسینقلی به وجود آمد که به‌طور مشروط از محل برخورد مرزهای ایران و روسیه در دو نقطه (آذربایجان و ترکمنستان) کشیده شده بود، ناحیه جنوبی دریا مورد استفاده ایران و قسمت شمالی آن مورد بهره‌برداری شوروی قرار می‌گرفت. ولی بازهم تکرار می‌کنم که چنین رژیمی عملاً وجود داشت ولی در اسناد ثبت نشده بود.

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای ساحلی با امضای موافقت‌نامه‌ای، مسئولیت رعایت قراردادها و موافقت‌نامه‌های منعقد شده میان شوروی سابق و ایران را عهده‌دار شدند و مؤثر بودن اساسنامه حقوقی موجود دریای خزر را مورد تأیید قرار دادند.

لیکن در مرحله کنونی تقاضاهایی در زمینه تجدیدنظر در اساسنامه مذکور به وجود آمد و ضرورت تدوین رژیم حقوقی جدیدی که برای کشورهای ساحلی امکان بهره‌برداری از ثروتهای هیدروکربنی و معدنی موجود در بستر دریا را به وجود آورد، مورد تأکید قرار گرفت. از لحاظ نظری می‌توان سه حالت مختلف را برای حل این مسئله ذکر کرد.

حالت اول. باقی ماندن اوضاع در وضعیت کنونی است، یعنی مشترک دانستن دریا



برای همه، به طوری که هر کشور متناسب با نیاز و امکاناتی که دارد از منابع آن استفاده کند. این راه حل، به طور کلی عملی نیست و موجب بروز مناقشه و هرج و مرج می شود.

حالت دوم. تقسیم بستر دریا با منابعی که در آن وجود دارد بخصوص ماهی و تقسیم سطح دریا و متعاقب آن پایان کشتیرانی آزاد. این وضعیت دارای طرفدارانی است و روسیه نواقص زیادی را در آن می بیند. این حالت دارای چه ویژگی هایی است؟ ایجاد مرز در سطح دریا که از طرف سازمانهای حفاظتی آنها پیشنهاد می شود، به دیگر سخن مقررات حقوقی خاص ایجاد می نماید که امکان دارد مورد حمایت قرار نگیرد.

تقسیم کامل دریا بر روی ذخایر بیولوژیک آن تأثیر گذاشته و مقدمات فاجعه عظیم زیست محیطی را به وجود می آورد. با توجه به اتفاقی که در دریای آرال رخ داد و عواقب فاجعه نه تنها در پهنه این دریا بلکه محیط زیست آن را هم تحت تأثیر قرار داد، عواقب احتمالی و پیش بینی نشده در دریای خزر می تواند جبران ناپذیر باشد و این فجایع به آب و هوا و دیگر پدیده های طبیعی لطماتی را وارد نماید که حتی فکر کردن در مورد آنها هم وحشتناک است. تهدید جوی زیست محیطی دریای خزر ممکن است با نصب لوله های گاز یا نفت در بستر آن ایجاد گردد، زیرا این دریا دارای ساختار فیزیکی خاصی است و سطح آب آن در نوسان می باشد. در لایه های زمینی و در بستر آب، احتمالاً خلاء عظیمی وجود دارد که می تواند با شروع بهره برداری از منابع هیدروکربوری آن گسترش یابد و علاوه بر این دریای خزر در معرض خطر زلزله قرار دارد.

حالت سومی نیز برای حل مشکل وجود دارد و به نظر روسیه بهترین انتخاب ممکن می باشد، گرچه ما آن را به دیگران تحمیل نمی کنیم و معتقدیم که توافق در مورد نظام و اساسنامه حقوقی دریای خزر لازم است با شرکت همه کشورهای ساحلی آن صورت گیرد. چنین راه حلی عبارت است از: تقسیم سطح دریا، زیرا بدون انجام این کار، بهره برداری از منابع آن امکان پذیر نیست و این روند نباید متوقف شود. براساس اساسنامه موجود، توقف بهره برداری از منابع این دریا مغایر حق حاکمیت کشورهای حوزه دریای خزر خواهد بود. زیرا حتی اساسنامه کنونی هم این دریا را به عنوان یک مخزن آبی مشترک تلقی می کند و مانعی برای استفاده کشورها از آن ایجاد نکرده است.



روسیه چه پیشنهادی دارد؟

ما پیشنهاد می‌کنیم که استفاده مشترک از بستر و سطح دریا صورت گیرد، زیرا سطح آن تأمین‌کننده کشتیرانی آزاد است و بستر منبع مواد اولیه است، ضمناً یک منطقه ساحلی با ذخایر مربوطه ایجاد خواهد شد. به عبارت دیگر، پیشنهاد می‌کنیم بستر دریا با منابع موجود در آن برای استفاده مشترک آبی تقسیم گردد.

چنین تقسیمی عملاً چه کار خواهد کرد؟

در سطح جهانی آشنایی زیادی با سابقه تقسیم هرگونه گستره آبی - چه در اقیانوس و چه در دریا، خلیج و دریاچه - وجود دارد. از نظر حقوقی هر تشخیصی که داده شود یک موضوع کاملاً مشخصی است و آن اینکه دریای خزر یک دریای باز نیست، ولی کشورهای دیگر نیز با روشهای مختلف می‌توانند و لازم است از آن استفاده کنند. در ژوئن سال گذشته موافقت‌نامه‌ای با قزاقستان در خصوص اسلوبهای تقسیم بستر دریا منعقد کردیم.

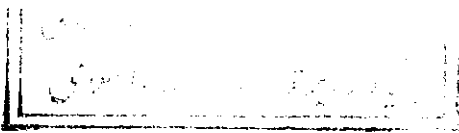
تا آنجا که من اطلاع دارم موافقت‌نامه دوجانبه روسیه و قزاقستان در خصوص تقسیم بستر دریا موجب ارزیابی منفی در ایران شده است. آیا همین‌طور است؟

ایران موضع بسیار سختی در مورد دریای خزر دارد و روی ضرورت استفاده مشترک از این مخزن آبی پافشاری می‌کند. به هر حال اکنون زمان آمادگی بررسی مجدد وضعیت‌های دیگر فرا رسیده است.

باید اذعان داشت که از ابتدا ما هم آن را دریای مشترک می‌دانستیم، ولیکن این موضع برای کشورهای همسایه قابل درک نبود و تهیه نظام و اساسنامه حقوقی را به تأخیر می‌انداخت، علاوه بر این همسایگان ما عملاً استفاده یک‌جانبه از منابع خزر را آغاز کرده بودند. برای اینکه استفاده از آن موجب ایجاد «حق» و «تصاحب» یک‌جانبه نشود، لازم بود هرچه سریعتر، عناصر ایجادکننده هرج‌ومرج و عدم تفاهم در این مسئله را از بین برد.

گرچه موافقت‌نامه روسیه با قزاقستان بستر دریا را میان دو کشور تقسیم می‌کند، ولی تا قبل از تهیه و تدوین نظام حقوقی جدید برای همه کشورهای ساحلی، قراردادهای ۱۹۴۰ و ۱۹۲۱ همچنان به قوت خود باقی است. روسیه رایزنی خود را در خصوص اساسنامه دریای خزر با همه کشورهای ساحلی ادامه خواهد داد و اجلاس کمیته کاری با این تأکید که در آن همه





کشورهای ساحلی شرکت نمایند، برگزار می‌گردد. ملاقاتهای موجود نشان‌دهنده آن است که مواضع به هم نزدیک نیستند ولی همه در حال قدم برداشتن در جهت رسیدن به یک درک متقابل و توافق پنج‌جانبه هستند. نزدیکی مواضع به زمان زیادی احتیاج دارد و این مقصود به آسانی حاصل نمی‌شود و نیازمند تماسهای مکرر است. ضمناً مسایل دیگری هم در این میان وجود دارد که مربوط به دریای خزر نمی‌شود. اصولاً هر نوع تلاش و حرکتی که مربوط به تفکیک دریا و یا خشکی می‌شود، معمولاً دهها سال طول می‌کشد، ولی به‌طور کلی آنچه که در این خصوص من می‌بینم، پیشرفت آشکار در حل این مشکل طی نیم سال اخیر است.

نظر شما در مورد نحوه حمل و نقل نفت به دست آمده در منطقه خزر چیست؟

در این خصوص، با تنوع راههای حمل و نقل روبرو هستیم. فعلاً همه لوله‌های نفتی از مرز روسیه عبور می‌کنند، ولی بخوبی درک می‌کنیم که با افزایش حجم استخراج نفت چنین وضعیتی نمی‌تواند ادامه یابد و نفت از راههای دیگر نیز روانه بازارهای جهانی خواهد شد. چنین امری طبیعی است ولی ما در تعیین مسیر لوله‌ها ملاحظات و راه‌حلهای اقتصادی را نیز در نظر گرفتیم و با توجه به منافع کلیه کشورها، به دور از هرگونه فشاری از خارج و یا بدون تلاش در برتری جویی، شروع به کار کردیم.

سؤال آخر من برمی‌گردد به ایران. امسال بیستمین سال انقلاب اسلامی است. به نظر

شما چه تحولات عمده‌ای در این کشور رخ داده که کاملاً مشهود است؟

سؤال فیلسوفانه‌ای است، وقتی که شما زمان طولانی اینجا زندگی کنید، متوجه تحولات نمی‌شوید ولی استمرار وجود دارد. کسی که برای مدت کوتاهی به این کشور می‌آید تحول را در هر زمینه‌ای می‌بیند. افکار عمومی هر روز نسبت به آمریکا روشن‌تر می‌شوند. برای من جالب است که شاهد استمرار ویژگی ملی‌گرایی ایران و استواری اخلاقی آنها هستم. البته کشور در حال تغییر هست ولی این تغییر در آینده بیشتر خواهد شد. رئیس‌جمهور ایران آقای خاتمی در صحبتهای خود گفته است که طی ۱۵ سال آینده باید ۱۵ میلیون شغل جدید ایجاد گردد، در صورتی که هم اکنون ۱۲ میلیون شغل وجود دارد. این گفته بدین معنی است که در هر سه تا پنج سال آینده باید یک محل اقتصادی جدید ساخته شود.